



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

تراژدی بی عدالتی و تبعیض نژادی در غرب

پژوهش
خبری
معاونت سیاسی
صدا و سیما

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: علی ظریف

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

- ۲ مقدمه
- ۲ بی عدالتی و تبعیض نژادی در امریکا
- ۴ افکار عمومی آمریکا علیه بی عدالتی و تبعیض نژادی
- ۵ بی عدالتی و تبعیض نژادی در اروپا
- ۹ نتیجه گیری



انتشار تصاویر بازداشت و کشته شدن «جورج فلوید»، شهروند سیاهپوست آمریکایی نه تنها در آمریکا بلکه در سراسر جهان موجی از اعتراض‌ها را به همراه داشته است. یک مامور پلیس شهر «مینیاپولیس» پس از بازداشت این مرد ۴۶ ساله زانوی خود را بر روی گردن او قرار داد. در تصاویر منتشر شده صدای جورج فلوید شنیده می‌شود که خطاب به این مامور پلیس می‌گوید «نمی‌توانم نفس بکشم». این جمله جورج فلوید اکنون به شعار بسیاری از شرکت کنندگان در تظاهرات ضدنژادپرستی تبدیل شده است. این رفتار خشونت بار پلیس آمریکا بار دیگر افکار عمومی جهانیان را تحریک کرده است که چرا با وجود تلاش‌های صورت گرفته در سال‌های گذشته تراژدی نژادپرستی در غرب پایانی ندارد.

نژادپرستی «Racism» نوع خاصی از تعصب است که بر مبنای استدلال‌های نادرست و عمومیت دادن برخی خصوصیات به گروهی از انسان‌ها، به گونه‌ای غیر قابل انعطاف، شکل می‌گیرد. نژادپرستی احساس ترس یا نفرتی است نابجا از یک انسان تنها به دلیل نژاد وی. حتی زمانی که رنگ پوست مطرح نباشد عوامل دیگری چون زبان، مذهب، ملیت، تحصیلات، جنسیت یا سن و سال منجر به بروز تعصبات می‌گردد. ریشه‌های نژادپرستی در عصر جدید به نظریات «کنت دوگوبینو» نویسنده فرانسوی می‌رسد که آن را در ۱۸۵۳ منتشر نمود. در قرن بیستم بزرگ‌ترین حامی نژادگرایی «هیوستون استوارت چمبرلین» نویسنده آلمانی انگلیسی تبار بود. قتل جورج فلوید نشان داد موضوع نژادپرستی در غرب ریشه‌های ساختاری داشته و نژادپرستی در اروپا و آمریکا همچنان شایع است.

نژادپرستی در آمریکا

برتری نژاد سفید در آمریکا، تاریخی به اندازه تاریخ آمریکا دارد. سفیدپوستانی که از اروپا به سمت آمریکا حرکت کردند برای ساکنان بومی و رنگین‌پوست‌ها به خصوص سیاه‌پوست‌ها که از قاره آفریقا وارد آمریکا می‌شدند در اندازه یک حیوان هم ارزش قائل نبودند. رنگین‌پوست‌ها در بازارها به عنوان برده خرید و فروش می‌شدند و بخشی از اموال مالک سفیدپوست محسوب می‌شدند. حتی جنگ‌های شمال و جنوب در اواسط قرن نوزده میلادی نیز به نژادپرستی در آمریکا پایان نداد. عمده‌ترین ساختارهای نژادپرستانه در آمریکا شامل برده‌داری، جداسازی نژادی، مدارس جداگانه برای سرخ‌پوست‌ها و اردوگاه‌های بزرگ بازداشت پناهجویان خارجی بوده است. همچنین تمایلات و رفتارهای نژادپرستانه حتی در زمان کنونی در تعداد بسیار زیادی از آمریکایی‌ها وجود دارد.

در دوره جنگ‌های داخلی آمریکا گروه‌های نژادپرستی به نام «کوکلاس کلان‌هان» ظهور کردند. این گروه نژادپرست نخستین بار در سال ۱۸۶۵ میلادی به دست کهنه سربازان ارتش کنفدراسیون آمریکا بنیاد نهاده شد. کوکلوکس کلان‌ها خیلی زود و قبل از آن که در دهه ۱۹۰۰ رشد فراگیری داشته باشند، در جنوب آمریکا گسترش یافتند. این گروه به شدت با سیاهان آمریکا و مهاجران ضدیت داشته و مخالف برخورداری آنها از آزادی‌های مدنی و حقوق یکسان است. اعضای این گروه علیه کسانی که برتری نژاد سفید را در ایالت‌های جنوبی به چالش می‌کشیدند، دست به اعدام و یا سایر حملات خشونت‌آمیز می‌زدند.

با وجودی که برده‌داری از اواخر قرن نوزدهم میلادی در آمریکا ممنوع شد، اما سیاست‌های نژادپرستانه تا سال‌ها ادامه داشت و تا دهه ۵۰ پنجاه میلادی، سیاهپوستان در آمریکا مجبور بودند از مکان‌های عمومی جداگانه استفاده کنند. حتی پیروزی «جنبش

حقوق مدنی سیاهپوستان آمریکا» در سال (۱۹۶۸-۱۹۵۵) میلادی هم نتوانست به تبعیض نژادی در آمریکا پایان دهد. جنبش حقوق مدنی سیاهپوستان آمریکا یک سری جنبش‌های اجتماعی در آمریکا بود که هدف آن‌ها پایان دادن به تفکیک و تبعیض نژادی علیه آمریکایی‌های سیاهپوست و برخورداری سیاهان از حق رأی در قانون اساسی بود. نام «مارتین لوتر کینگ» با جنبش حقوق مدنی سیاهپوستان آمریکا گره خورده است. این جنبش، در سال ۱۹۵۵ میلادی در پی بازداشت «رزا پارکس»، زن سیاهپوستی به راه افتاد که از روی صندلی مخصوص سفیدپوستان در اتوبوس شهری مونتگومری بلند نشده بود. بازداشت رزا پارکس منجر به جنبشی شد که با بایکوت کردن اتوبوس‌های مونتگومری شروع شد. یک سال بعد، دادگاه منطقه ای در آمریکا جداسازی اتوبوس‌های مونتگومری را لغو کرد. به دنبال این موفقیت، مارتین لوتر کینگ در سال ۱۹۵۷ میلادی سازمانی به نام «کنفرانس رهبری مسیحی‌های جنوب» را تشکیل داد. این سازمان، پرهیز از خشونت را به عنوان مرام اصلی برای مقابله با نژادپرستی به کار گرفت. کینگ به همراه دیگر مبارزان آمریکایی آفریقایی اهداف مشخصی را دنبال می‌کردند، از جمله مبارزه با جداسازی سفیدپوستان و سیاهپوستان در مکان‌های عمومی مثل رستوران، اتوبوس، مدارس. تعهد مارتین لوتر کینگ به عدم توسل به خشونت و تلاش صلح‌جویانه برای رسیدن به برابری، باعث شد تظاهرات آرامی که او سازمان داد بر جامعه آمریکا تأثیر واقعی بگذارد و مارتین لوتر کینگ سهم بزرگی در موفقیت جنبش حقوق مدنی داشته باشد. این تظاهرات در ۲۸ اوت سال ۱۹۶۳ و همزمان با یکصدمین سالگرد صدور فرمان اعلامیه آزادی بردگان توسط آبراهام لینکلن در شهر واشنگتن برگزار شد و حدود ۲۵۰ هزار نفر را به پای بنای یادبود لینکلن کشاند. در پی این راه‌پیمایی و سخنرانی کینگ، فشار شهروندان بر دولت جان اف. کندی برای ارسال لوایح حقوق مدنی به کنگره و تصویب آنها آغاز شد و این موضوع تبدیل به یکی از مباحث مهم ملی شد.

با وجود همه تلاش‌های صورت گرفته چرخه تبعیض نژادی در آمریکا هیچ‌گاه متوقف نشده است. در سال ۱۹۹۲ شهر لس آنجلس با اعتراضات گسترده‌ای روبرو شد. این اعتراضات در پی انتشار یک نوار ویدئویی از وحشیگری پلیس لس آنجلس در سال ۱۹۹۱ که در آن «رادنی کینگ» را کتک می‌زدند، و برگزاری دادگاه ماموران پلیس و تبرئه آن‌ها شکل گرفت.

رادنی کینگ سیاه‌پوست در حال رفتن به خانه بود که چهار پلیس مست برای وقت‌گذرانی و شوخی شبانه، راه را بر او بستند و با مشت و لگد وی را تا آستانه مرگ مورد ضرب و شتم قرار دادند و سپس جنازه نیمه جان او را رها کردند و رفتند. در این هنگام، یکی از شهروندان لس آنجلس که در آن موقع شب از پنجره خانه اش شاهد چنین صحنه‌های بی رحمانه‌ای بود، با دوربین شخصی خود اقدام به فیلمبرداری از این اتفاق ضد بشری کرد و این فیلم را در اختیار رسانه‌ها قرار داد. کینگ سپس توسط مردم به بیمارستان منتقل شد و فیلم این حادثه، جنجالی سریع به پا کرد. وقتی پلیس‌های ضارب شناسایی و دستگیر شدند، قاضی دادگاه تنها به صرف اینکه پلیس‌ها ادعا می‌کنند قصد شوخی داشتند و به دلیل مصرف الکل، متوجه عواقب این شوخی خود نشدند، رأی به تبرئه چهار پلیس داد. این حکم قاضی مربوطه، موجی از خشم و خشونت و اعتراض مردم لس آنجلس را برانگیخت، تا جایی که سراسر این شهر به جهنمی از آتش و خون تبدیل شد و پلیس با تمام قوا و با آخرین تجهیزات وارد صحنه شد.^۱

غده چرکین نژادپرستی در سال جاری بار دیگر سر باز کرده است. مرگ دردناک «جورج فلویید» سیاه‌پوست آمریکایی هنگام بازداشت توسط پلیس اعتراضات سراسری در آمریکا را در پی داشته است. جورج فلویید ۴۶ ساله بعد از دستگیری توسط پلیس بیرون فرو شگاهی در شهر مینیاپولیس، ایالت مینه سوتا درگذشت. ویدیوی بازداشت فلویید در روز ۲۴ مه (۴ خرداد)، یک مامور

^۱(مهر نیوز، ۱۳۹۱/۳/۳۰)

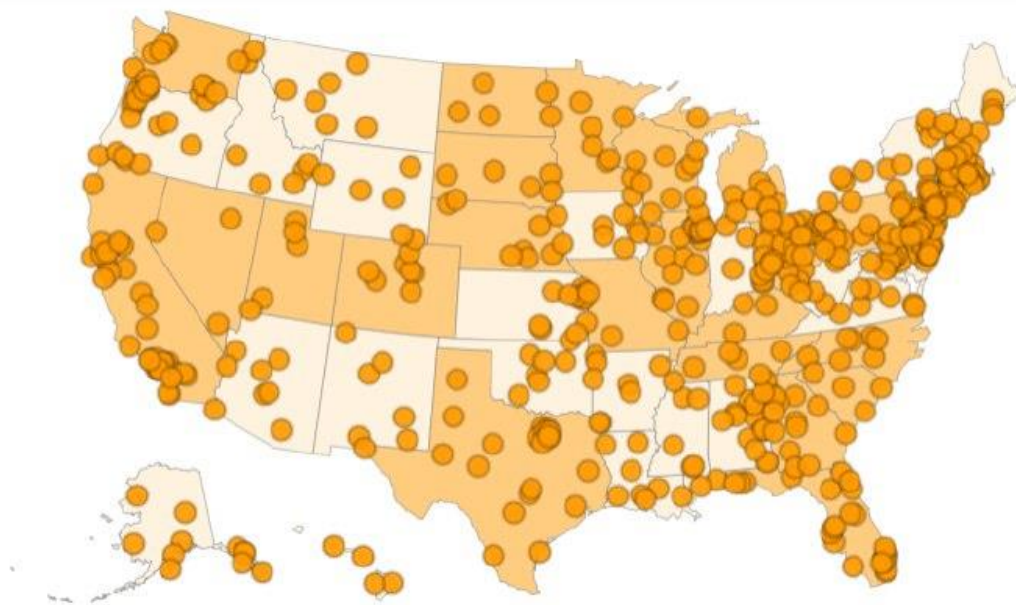
پلیس سفید پوست به نام «درک شووین» را نشان می‌دهد که زانوی خود را به گردن او که نقش بر زمین شده فشار می‌دهد. خشم ناشی از مرگ جورج فلوید، آتش اعتراضات را در سراسر آمریکا روشن کرد، اعتراضاتی که در برخی موارد به خشونت کشیده شد. تظاهرکنندگان همه در شعارهایشان خواهان پایان دادن به تبعیض و نژادپرستی و ایجاد عدالت برای شهروندان آمریکا شدند. هزاران نفر در بیش از ۲۰ شهر آمریکا دستگیر شدند و در ۱۵ ایالت گارد ملی به خیابان فرستاده شد.

□ افکار عمومی آمریکا علیه نژادپرستی

اکثریت مردم آمریکا معتقدند تحلیلگران آمریکایی اعتقاد دارند نابرابری و تبعیض علیه رنگین‌پوستان در ساختارهای اجتماعی و سیاسی ایالات متحده نهادینه است و دولت «دونالد ترامپ» و همفکران وی نه تنها علیه آن واکنش مناسبی نشان نمی‌دهد بلکه به دنبال تشدید شکاف و دوقطبی کردن جامعه آمریکا هستند.

در پی مرگ جورج فلوید شهرهای مختلف آمریکا شاهد تظاهرات گسترده بود. پلیس ضدشورش در نیویورک، شیکاگو، فیلادلفیا و لس‌آنجلس با معترضان درگیر شد و با استفاده از شلیک گاز اشک‌آور و اسپری فلفل تلاش کرد جمعیت را متفرق کند. بر اساس اخباری که رسانه‌های بین‌المللی منتشر کردند، گروه‌هایی از معترضان با پلیس درگیر شدند و خودروهای پلیس را آتش زدند. گارد ملی آمریکا اعلام کرد که ۵ هزار نیروی خود را در ۱۵ ایالت مستقر کرده است.

در تصویر زیر نقاط مشخص شده، شهرهایی است که در آن اعتراضات برگزار شده است. همچنین گارد ملی آمریکا در ایالت‌هایی که پررنگ‌تر نمایش داده شده، حضور پیدا کرده است.



«استفان دوجاریک»، سخنگوی سازمان ملل متحد روز اول ژوئن (۱۲ خرداد) از قول «آنتونیو گوترش»، دبیر کل این سازمان خواستار برگزاری اعتراضات به شکل مسالمت‌آمیز در آمریکا شد و از حاکمان این کشور خواست تا ضمن گوش دادن به صدای معترضان، در مواجهه با آنان خویشتنداری نشان دهند. دوجاریک در این زمینه به خبرنگاران گفت: «شکایت‌ها باید شنیده شوند، اما باید به روش مسالمت‌آمیز بیان شوند و مقامات هم باید در واکنش به تظاهرکنندگان خویشتنداری نشان دهند ... اما موفقیت

جوامع متنوع در هر کشور بسته به تلاش گسترده در جهت انسجام اجتماعی است. ما همیشه گفته‌ایم که نیروهای پلیس در سراسر جهان نیاز به آموزش کافی در مورد حقوق بشر دارند.»

روز ۱۸ خرداد (۷ ژوئن) وا شنگتن تظاهرات ده ها هزاران نفر علیه نژادپرستی و خشونت پلیس بود. معترضان از جمله در نزدیکی ساختمان کنگره، بنای یادبود آبراهام لینکلن و پارک لافایت که ماموران در آن راه نزدیک شدن معترضان به کاخ سفید را سد کرده بودند تجمع کردند. در واشنگتن موریل بوزر، شهردار شهر، از کسانی که در خیابانی در نزدیکی کاخ سفید جمع شده بودند استقبال کرد؛ جایی که به دستور او روز جمعه "زندگی سیاهان ارزش دارد" نامگذاری شد. روز دوشنبه ماموران پلیس فدرال با پرتاب کپسول های گاز اشک آور معترضان را پیش از بازدید دونالد ترامپ رئیس جمهور از کلیسایی در واشنگتن متفرق کردند. خانم بوزر گفت: «اگر او بتواند کنترل وا شنگتن را در اختیار بگیرد، می تواند اختیار هر ایالتی را به دست بگیرد که در آن صورت هیچ یک از ما امنیت نخواهیم داشت. برای همین امروز ارتش را از شهرمان عقب زدیم. سربازان ما نباید این طور مورد استفاده قرار گیرند، نباید از آنها خواسته شود شهروندان آمریکا را برانند. امروز ما 'نه' می گوییم؛ در انتخابات ماه نوامبر هم می گوییم 'نفر بعد'».

همزمان با افزایش اعتراضات سراسری در آمریکا، حمله معترضان به نمادهای برده داری نیز آغاز شده است. حمله به نمادهای برده داری در آمریکا تا حدی بوده که مسئولان شهر «لوئیزویل» از ترس شان پیش دستی کردند و نمادی از یک ژنرال آمریکایی را به سرعت به مکان امنی منتقل کردند. مجسمه منتسب به «جان کسلمن» در لوئیزویل سابقه ای بیش از صد سال داشت، در حالی که سفیدپوستان وی را مظهر اقتدار و استقلال آمریکا می دانستند، سیاه پوستان تاکید دارند که وی مظهر برده داری بوده است. آنها تندیس او را یک بی احترامی به خود تعبیر می کردند؛ بنابراین این مجسمه طی سال های اخیر محل اختلاف و درگیری بین اهالی لوئیزویل بوده است. البته نارضایتی مردم آمریکا به تندیس های نژادپرستی در آمریکا تنها به یک مورد ختم نمی شود. کمی پیشتر و در پی اعتراضات انبوه علیه نژادپرستی، مسئولان شهر «فردریکس بورگ» در اقدامی جهت کنترل اعتراضات، نمادی که بیانگر مکان فروش بردگان در آمریکا بود را پس از گذشت ۱۷۷ سال از خیابان حذف کردند.^۱

افکار عمومی آمریکا اکنون بر این اعتقاد است که حاکم این کشور پشت ابری خود را مخفی کرده و بر ادامه نابرابری سیستماتیک در ایالات متحده تاکید دارد. شبکه خبری «پی.بی.اس» می گوید اثری از ترامپ برای همصدایی با افکار عمومی علیه نژادپرستی در آمریکا دیده نمی شود. این در حالی است که «جورج دبلیو. بوش» رئیس جمهوری پیشین آمریکا هم با صراحت بر ضرورت پایان دادن به نابرابری سیستماتیک در این کشور تاکید کرد. حتی «میچ مک کانل» رئیس جمهوری خواه سنای آمریکا هم به شدت نسبت به نابودی برابری و عدالت به علت تفاوت در رنگ پوست افراد هشدار داده است اما هنوز ترامپ واکنش قاطعی را برای مقابله با نژادپرستی در آمریکا و خاموش کردن آتش خشم مردم نشان نداده است. وی اوج همدردی خود را تنها به بیان مباحث کلی و تلاش برای ایجاد جامعه ای برابر نشان داده است. به همین دلایل است که روزنامه «واشنگتن پست» ترامپ و برخی حامیان وی در حزب جمهوری خواه را با عنوان «مخالف ضد نژادپرستی» (anti- anti-racism) نامیده است.^۲

□ نژادپرستی در اروپا

نژادپرستی در اروپا ریشه های عمیق و تاریخی دارد. در سده ۱۶ میلادی کشتی های باری که از سمت اروپا به سواحل آمریکا می آمدند، سیاه پوستان آفریقایی را به عنوان برده در آنجا پیاده می کردند و آنان را به حراج می گذاشتند. فروش بردگان منوط به

^۱ (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۹/۳/۲۴)

^۲ (ایرنا، ۱۳۹۹/۳/۱۹)

پرداخت بالاترین قیمت بود. بزرگ‌ترین حجم از تجارت برده در طول سالیان متمادی از سوی کشورهای استعمارگر اروپایی در جریان بوده است.

ترویج پدیده شوم نژادپرستی در جهان، به ویژه از زمان انتخاب "دونالد ترامپ" به عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا تشدید شده است. در روزهایی که خیابان‌های آمریکا علیه نژادپرستی و خشونت پلیس علیه سیاهان یکی از ناآرام‌ترین دوران را تجربه می‌کند، بسیاری در اروپا از خود می‌پرسند: آیا میزان نژادپرستی در اروپا کمتر از آمریکاست؟ آیا خشونت پلیس علیه اقلیت‌های سیاهپوست و عرب تبار مقیم اروپا دلایل نژادی دارد؟

طی ماه‌های اخیر رشد جریان راست افراطی و ترویج بیگانه‌هراسی در کشورهای اروپایی، سبب افزایش حملات علیه مسلمانان و اقلیت‌های نژادی به ویژه در فرانسه، انگلیس و آلمان شده است. طبق جدیدترین آمارها؛ میزان دسترسی نیروهای راست افراطی به تسلیحات و ارتکاب به جرائم خشونت بار به ویژه در آلمان افزایش یافته است.

فرانسه یکی از معدود کشورهای اروپایی است که می‌توان آن را از منظر تنوع نژادی با آمریکا مقایسه کرد. فرانسه که یکی از مهم‌ترین استعمارگران جهان در قرن هجدهم و نوزدهم بود و پس از پایان دوران استعمار در میانه‌های قرن بیستم، ناگزیر پذیرای بسیاری از شهروندان آفریقایی تبار، عرب و سیاهپوست مستعمرات سابق شد. در دهه‌های اخیر بارها حومه‌های پاریس به دلیل خشونت‌های پلیس علیه شهروندان آفریقایی تبار صحنه تنش و اعتراضات بوده است. از سال ۲۰۰۵ که کشته شدن دو نوجوان آفریقایی تبار در تعقیب و گریز نیروهای پلیس ماه‌ها اعتراض به بار آورد تا در سال‌ها و ماه‌های اخیر خفگی «آداما ترائوره»، جوان ۲۴ ساله سیاهپوست در بازداشت پلیس و کشته شدن «محمد گسبی» به دلایلی مشابه. با وجود آنکه پلیس فرانسه برگزاری هر نوع تجمع برای روز سه‌شنبه در پایتخت این کشور را ممنوع اعلام کرده بود، هزاران تظاهرکننده در حمایت از خانواده آداما ترائوره در مقابل دادگاه محل رسیدگی به علت مرگ وی در شمال پاریس گردهم آمدند. پلیس پاریس شمار تظاهرات کنندگان را ۲۰ هزار نفر عنوان کرده بود. مشابه این تظاهرات در شهرهای لیون، لیل و ماری هم برگزار شد. آداما ترائوره، جوان سیاهپوست ۲۴ ساله در ۱۹ ژوئیه سال ۲۰۱۶ میلادی هنگامی که در بازداشت نیروهای ژاندارمری فرانسه به سر می‌برد، جان باخت. طبق آخرین گزارش پزشکی قانونی، او همچون جورج فلوید به دلیل خفگی جان سپرده است. این در حالی است که مقامات پلیس فرانسه ادعا می‌کنند این جوان سیاهپوست در حالی که در بازداشت پلیس بود، سکته قلبی کرده است.^۱

مقام‌های آلمان هم سال‌هاست به دلیل فعالیت گروه‌های افراطی راست‌گرا مورد انتقاد می‌گیرند، وعده داده‌اند تا نیروهای پلیس را در اماکن عمومی از جمله مساجد، فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های قطار و مرزها افزایش دهند. مقام‌های آلمان که سال‌هاست به دلیل فعالیت گروه‌های افراطی راست‌گرا مورد انتقاد می‌گیرند، وعده داده‌اند تا نیروهای پلیس در اماکن عمومی از جمله مساجد، فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های قطار و مرزها را افزایش دهند. وزیر دادگستری آلمان روز جمعه گفته که فعالیت‌های تروریستی از سوی گروه‌های راست‌گرای افراطی بزرگ‌ترین تهدید برای جامعه آلمان به شمار می‌آید. وی در ادامه گفته است که شمار و شدت این نوع از حملات به وضوح قابل مشاهده است. مقام‌های رسمی آلمان از افزایش جرائم ناشی از نفرت توسط راست‌گرایان افراطی طی سال‌های اخیر خبر دادند. مقام‌های امنیتی این کشور ۱۲ هزار نفر از افرادی که در این نوع از گروه‌ها فعالیت می‌کنند را شناسایی کردند. در حالی که نژادپرستی در آلمان عمیقاً ریشه دوانده است، اما رسانه‌های خبری به ندرت این موضوع را تیترو می‌کنند.^۲

^۱ (ایسنا، ۱۳۹۹/۳/۱۷)

^۲ (مشرق نیوز، ۱۳۹۸/۱۲/۴)

از سوی دیگر می‌توان گفت که مردم انگلیس هم نسبت به گذشته نژادپرست تر شده‌اند. این امر موجب شده آنها از اتحاد کمتری برخوردار باشند و چندان احساس خو شبختی نکنند. متعاقباً بسیاری از انگلیسی‌ها نگاهی تیره و تار به اقتصاد کشورشان دارند. برر سی‌ها نشان می‌دهد «برگزیت» موجب تشدید نژادپرستی در انگلیس شده است. روزنامه گاردین در گزارشی از ابعاد عمیق نژادپرستی در انگلیس پس از رأی مردم این کشور به خروج از اتحادیه اروپا پرده برداشت و نوشت که از هر ۱۰ اقلیت قومی دست‌کم ۷ نفر مورد تبعیض قرار گرفته‌اند که این رقم نسبت به ۳ سال قبل ۵۸ درصد افزایش داشته است. بر اساس گزارش وزارت کشور انگلیس جرائم ناشی از نفرت از سال ۲۰۱۳ میلادی با افزایش دو برابری در سال ۲۰۱۸، به ۷۱ هزار و ۲۵۱ فقره رسیده است. بر اساس تحقیقات گاردین، ۳۷ درصد مردم انگلیس در پایان سال ۲۰۱۶ روزانه شاهد اظهارات نژادپرستانه در فضای مجازی بوده که این میزان در حال حاضر به ۵۰ درصد رسیده است. به طور کلی نژادپرستی در فضای مجازی از دوره پیش از برگزاری همه‌پرسی برگزیت تاکنون دو برابر شده و تعداد افرادی که از شنیدن اظهارات منفی علیه خود شکایت کرده‌اند ۵۰ درصد افزایش یافته است.^۱

□ افکار عمومی اروپا علیه نژادپرستی

در روزهای اخیر میلیون‌ها اروپایی در همبستگی با معترضان خشونت‌های پلیس علیه سیاهان آمریکا صفحه رسانه‌های اجتماعی، اینستاگرام و توییتر خود را سیاه کردند. واکنش‌ها حاکی از آن است که میلیون‌ها نفر از «وحشیگری» پلیس که منجر به کشته شدن جورج فلویید شد در شوک و خشم هستند. این در حالی است که مهاجران اروپایی خود معنی نژادپرستی و تبعیض و خشونت‌های پلیس را به‌صورت روزمره تجربه می‌کنند.

حالا افکار عمومی نسبت به وپروس تبعیض و نژادپرستی در غرب کاملاً هوشیار شده است. در روزهایی که خیابان‌های آمریکا علیه نژادپرستی ساختاری و خشونت پلیس علیه سیاهان یکی از ناآرام‌ترین دوران را تجربه می‌کند، بسیاری از اروپائیان از خود می‌پرسند: اوج گیری نژادپرستی در برخی کشورهای اروپایی در سال‌های گذشته در آینده اتحادیه اروپا را به کجا خواهد برد؟

دهها هزار اروپایی روز ۱۷ خرداد (ششم ژوئن) در شهرهای مختلف اروپا علیه نژادپرستی تظاهرات کردند. دهها هزار نفر در لندن، پایتخت انگلیس در اعتراض به نژادپرستی و خشونت پلیس آمریکا علیه سیاهپوستان تظاهرات کردند. بسیاری از شرکت‌کنندگان در تظاهرات لندن به دلیل شیوع ویروس جدید کرونا ماسک به صورت زده بودند. بر روی ماسک برخی از شرکت‌کنندگان نوشته شده بود: «نمی‌توانم نفس بکشم». یکی از معترضان به نژادپرستی در لندن در مورد تصاویر مرگ جورج فلویید می‌گوید: «نمی‌خواهم گریه کنم؛ این [تصاویر] خونم را به جوش می‌آورد.» برخی از معترضان پلاکاردهایی را دست‌داشتند که روی آنها از انگلیس انتقاد شده بود. روی برخی از این پلاکاردها نوشته شده بود: «انگلیس بی‌گناه نیست. نژادپرستی کمتر، همچنان نژادپرستی است.» «بوریس جانسون»، نخست‌وزیر محافظه‌کار انگلیس از حق تظاهرات قانونی معترضان با رعایت فاصله گذاری اجتماعی دفاع کرده بود. او همچنین تاکید کرد که «خشم» معترضان در آمریکا و سراسر جهان را «درک» می‌کند.

هزاران نفر در پاریس، پایتخت فرانسه نیز با وجود دستور پلیس مبنی بر ممنوعیت تظاهرات، در اعتراض به نژادپرستی و برخورد خشونت‌آمیز پلیس آمریکا و فرانسه با سیاهپوستان به خیابان‌ها آمدند. پلیس فرانسه با استناد به مقررات فاصله گذاری اجتماعی که تجمع بیش از ۱۰ نفر را برای جلوگیری از شیوع ویروس جدید کرونا ممنوع کرده با برگزاری تظاهرات مخالفت کرده بود.

^۱ (ایرنا، ۱۳۹۸/۲/۳۱)

معرضان به خشونت پلیس علیه سیاهپوستان و دیگر اقلیت‌ها در دیگر شهرهای فرانسه از جمله لیل و لیون هم روز شنبه تظاهرات کردند.

در بسیاری از شهرهای آلمان تظاهرات و سیعی علیه نژادپرستی و در حمایت از اعتراضات ضدنژادپرستانه در آمریکا برگزار شد. برلین، پایتخت آلمان و شهرهای گوناگون دیگر این کشور صحنه تظاهرات ده‌ها هزار نفری مردم به این مناسبت بود. اگر چه رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و نگرانی از شیوع ویروس کرونا محدودیت‌هایی را به وجود آورده است اما بسیاری از تظاهرکنندگان در آلمان با رعایت مقررات ویژه این زمان و پوشیدن لباس سیاه و گذاشتن ماسک بر صورت همبستگی خود را با اعتراضات آمریکا نشان دادند. شرکت کنندگان پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن‌ها شعارهایی مانند "زندگی سیاهان با ارزش است"، "نمی‌توانم نفس بکشم" و نوشته‌هایی علیه خشونت پلیس آمریکا و همچنین پلاکاردهایی در دفاع از تنوع قومی و جلوگیری از خشونت نژادپرستی در آلمان نیز در دست تظاهرکنندگان به چشم می‌خورد.

در شهرهای دیگر آلمان نیز تظاهرات مشابهی برگزار شد. از جمله در مونیخ حدود ۲۰ هزار نفر علیه نژادپرستی تظاهرات کردند. در شهر فرانکفورت نیز بیش از هشت هزار نفر در اعتراض به رفتار خشن پلیس آمریکا و در جلوگیری از نژادپرستی و تبعیض در آلمان دست به تظاهرات زدند. در هر دو این شهرها و بسیاری دیگر از شهرهای آلمان شرکت کنندگان به مدت هشت دقیقه و ۴۶ ثانیه سکوت کردند و بر زمین نشستند. این زمانی بود که مأمور پلیس آمریکایی زانوی خود را روی گردن جورج فلویید فشار داد تا زمانی که این سیاهپوست جان خود را از دست داد. همچنین هزاران نفر در دوسلدورف در یک راهپیمایی سکوت شرکت کردند. در شهر هامبورگ هم بیش از ۱۴ هزار نفر در تظاهرات شرکت داشتند. در بر شورها و پوسترهای تظاهرکنندگان در شهر دورتموند نیز از جمله شعار "نه به نژادپرستی - ما با هم قدرتمندیم" به چشم می‌خورد. صدها نفر در تظاهرات این شهر شرکت کرده بودند.^۱

هشدار نسبت به شیوع نژادپرستی در اروپا هر روز بیشتر می‌شود. «آژانس اروپایی حقوق اساسی شهروندان» به‌تازگی در گزارشی نوشته است که تبعیض و توهین‌های نژادپرستانه به یک امر معمول در خیابان‌ها و محل کار و مناطق مختلف در اروپا بدل گشته است. به گفته این آژانس وابسته به کمیسیون اروپا رهبران اروپایی باید به این چالش مهم پیش روی جوامع بیشتر بپردازند. در این گزارش آمده است:

^۱ (دویچه وله، ۲۰۲۰/۰۶/۰۶)

آزار و اذیت نژادپرستانه: ۳۰ درصد از شهروندان رنگین پوست می گویند در پنج سال گذشته دست کم یک بار مورد آزارهای لفظی نژادپرستانه و ۵ درصد مورد آزار و حملات فیزیکی قرار گرفته اند.

تبعیض توسط نیروهای پلیس: ۲۴ درصد از شهروندان رنگین پوست در ۵ سال اخیر بی دلیل توسط نیروهای پلیس مورد بازخواست قرار گرفته اند. از این شمار ۴۱ درصد قاطعانه معتقدند که بازداشت و بازرسی آنها تنها دلیل نژادپرستانه داشته است.

تفاوت زنان و مردان غیرسفیدپوست: در نظرسنجی ها مردان ۲۲ درصد و زنان ۷ درصد به خاطر نژاد و رنگ پوست بازجویی شده اند.

شهادت علیه نژادپرستی: تنها ۱۴ درصد از مواردی که صرفاً در آن نگاه نژادی و قومی نقش داشته است به نهادهای قضایی گزارش شده است^۱.

نتیجه گیری

پایان جنگ داخلی و تصویب اصلاحیه های ۱۳ و ۱۵ متمم قانون اساسی، پایان تبعیض نژادی را در آمریکا در پی نداشت. پیامدهای مستقیم بردگی بیش از ۱۰۰ سال پس از الغای برده داری در آمریکا ادامه یافت و بسیاری از آن آثار کماکان ادامه دارد. لغو قانونی برده داری در آمریکا به معنای دستیابی بی درنگ بردگان آزاد شده به برابری و حقوق مدنی نبود و نابرابری های گسترده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که همه ریشه در نژادپرستی داشت، کماکان ادامه دارد.

باید توجه داشت تبعیض نژادی علیه سیاه پوستان، لایه ای ضخیم در تاریخ و اجتماع آمریکا دارد که به این راحتی و با تصویب قوانین یا روی کار آمدن رئیس جمهوری رنگین پوست از بین نمی رود. نژادپرستی پدیده شومی است که در بطن جامعه آمریکا به طور تاریخی ریشه دوانیده است و لایه های مختلف اجتماع از اداره پلیس گرفته تا کارفرمایان، سیاهان را در ردیف سفید پوستها قرار نمی دهند. این واقعیت حال به گونه ای رخ نمایان کرده است که «باراک اوباما» رئیس جمهور سابق آمریکا در مصاحبه با شبکه «بت نیوز» لب به اعتراف گشود و گفت: «نژادپرستی در جامعه آمریکا ریشه دوانده و یک شبه حل نمی شود»^۱.

قتل جورج فلوید، شهروند سیاه پوست آمریکایی، به دست یک افسر پلیس سفید پوست، نمکی بود بر زخم های کهنه جامعه آمریکا؛ این زخمها به واقع چیزی فراتر از خشونت یا حتی نژادپرستی یک یا چند افسر پلیس است. کم تر کسی تردید دارد که نژادپرستی

^۲(اسلام تایمز، ۲۵/۱۰/۱۳۹۸)

در آمریکا نظام‌مند است، اما بروز ابعاد این نژادپرستی نهادینه شده همزمان با اعتراضات ضد نژادپرستی چندان قابل پیش‌بینی نبود. اعتراضات روزهای اخیر مردم آمریکا به تبعیض و بی‌عدالتی نشان داد که آمریکا با وجود همه ادعاهای حقوق بشری قادر نیست حقوق برابر شهروندان خود را به رسمیت بشناسد و تبعیض و بی‌عدالتی در این کشور ریشه‌های عمیقی دارد و بخش‌های وسیعی از مردم از این تبعیض و بی‌عدالتی به ستوه آمده‌اند.

رنگین پوستان و اقلیت‌های مذهبی در اروپا نیز وضعیت بهتری ندارند. ظهور احزاب افراط‌گرای دست راستی در کشورهای مختلف اروپا زنگ خطر را برای اتحادیه اروپا به صدا درآورده و نگرانی از برخورد افراط‌گرایان با مهاجرین و اقلیت‌های نژادی و دینی رو به افزایش است. در سراسر اروپا و به‌خصوص در کشورهایی چون آلمان، ایتالیا، فرانسه، انگلیس و هلند، احزاب، جناح‌ها و جنبش‌های سیاسی راست افراطی به منصفه ظهور رسیده‌اند. این جنبش‌ها، به ویژه در دوران اخیر با اتخاذ رویکردی ضد اسلام و ضد مهاجر، می‌کوشند تا هواداران خود را افزایش دهند. پژوهشگران و استادان دانشگاه در غرب به صورت پیوسته در حال ادامه تحقیق دلایل نژادپرستی در حال رشد در اروپا هستند. این در حالی است که رسانه‌های اروپایی با نشر اخبار نژادپرستانه، جانبدارانه و مبالغه‌آمیز، سبب افزایش بیش از پیش اسلام‌هراسی در جوامع غربی می‌شوند. شیوع کرونا در ماه‌های اخیر نیز خود به بحران نژادپرستی افزوده است. به طور مثال بحران اقتصادی ناشی از شیوع ویروس مرگبار جدید کرونا به احساسات نژادپرستانه ضد چینی و ضد آسیایی اروپا دامن زده است و در هفته‌های گذشته تصاویر و ویدئوهای بسیاری در شبکه‌های اجتماعی درباره رفتارهای ناشایست با اقلیت‌های نژادی در شهرهای مختلف اروپا منتشر شده است.

